

بررسی تطبیقی موعودباوری در اسلام، مسیحیت و یهودیت

کبری رحیمی^۱، مرضیه سادات سجادی^۲

چکیده

امروزه آنچه باعث ایجاد اندیشه ظهور منجی می‌شود گرفتاری‌ها و درماندگی بشر است. انزجار از وضع موجود و انتظار برای ورود به یک وضع مطلوب از خواسته‌ها و نیازهای بشر امروزی است. بسیاری از پیامبران پیشین، آمدن فردی را وعده می‌داده‌اند که برای زدودن ستم و برقراری عدالت اجتماعی و نجات بشر قدم برمی‌دارد. در همه ادیان، اعتقاد به ظهور منجی مطرح بوده است و هر دین و مکتبی به تناسب فرهنگ دینی خود از موعود به نامی یاد کرده است. یهودیان به مسیح علیه السلام از نسل اسرائیل، مسیحیان به آمدن حضرت عیسی علیه السلام و مسلمانان به ظهور مهدی موعود علیه السلام از نسل حضرت زهرا علیها السلام اعتقاد دارند. همه اینها در هدف کلی یعنی، هدایت و ارشاد و نجات بشر از نادانی و گمراهی وحدت نظر دارند. حال ممکن است در امور و اهداف جزئی و برخی ویژگی‌ها دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. در مقاله حاضر با مراجعه به کتب دست اول و با استفاده از روش تطبیقی و مقایسه‌ای سعی شده است مسئله اعتقاد به موعود در اسلام و ادیان دیگر بررسی شود و شباهت و تفاوت‌های آن نیز تبیین شود.

واژگان کلیدی: موعود، اسلام، یهودیت، مسیحیت.

۱. مقدمه

همه پیروان ادیان الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی جهان که فساد و ظلم در آن بیداد می‌کند نجات‌دهنده بزرگ و مصلح جهانی ظهور می‌کند، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و عدل را گسترش می‌دهد. تمام افراد برای رهایی از گرفتاری‌های عصر موجود و برای رسیدن به جهانی مطلوب نیاز به ظهور شخصی نجات‌دهنده دارند که آن شخص همان منجی است. هر دینی او را با

۱. دانش‌پژوه کارشناسی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه، افغانستان.

۲. استاد همکار گروه علمی - تربیتی مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه، ایران.

لقب مخصوص و ویژگی‌هایی می‌شناسد و او را از خودشان می‌دانند. پیشینه موعودباوری در ادیان توحیدی به تعالیم اولیه آن ادیان برمی‌گردد؛ یعنی امری ساختگی و دروغین نیست. براساس باور دینی یهودیان، پادشاهی از نسل داوود به نام ماشیح، پادشاهی ابدی خدا را بر زمین استوار خواهد کرد. اعتقاد به ماشیح و آمدن او چنان جایگاهی در میان قوم یهود دارد که آن را نقشه خدا برای نجات بشر می‌دانند. همچنین بیشتر مسیحیان بر این عقیده‌اند که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به‌زودی خواهد آمد و حکومت هزارساله خود را تشکیل خواهد داد. از این رو از دیرباز گروه‌های کوچکی به‌نام هزاره‌گرا به‌وجود آمدند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در آخرالزمان می‌کنند، اما درآیین اسلام به ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام از نسل حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام معتقدند.

مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، ضرورت زندگی در هر عصری است که از تحول شگرف ارتباطات ناشی می‌شود. در گذشته با عدم توفیق انسان‌ها در عرصه ارتباطات، این امر چندان ضرورت نداشت، اما در عصر ارتباطات کنونی هر فکر و اندیشه‌ای که در گوشه‌ای از جهان مطرح شود لحظاتی بعد تمام مردم جهان امکان دستیابی به آن را دارند. بنابراین، مطالعات تطبیقی در زمینه ادیان بسیار ضروری و لازم به نظر می‌رسد. این نگاه تطبیقی و مقایسه‌ای می‌تواند اعتقادات ادیان در زمینه منجی را بررسی کند.

۲. اعتقاد به موعود در دین یهودیت

ایمان و اعتقاد به ظهور مصلح جهانی نزد یهودیان ثابت بوده است و در کتاب‌های معتبر آنها یافت می‌شود. یهودیان برخلاف دیگر اقوام که دوران طلایی تاریخ خود را در گذشته‌های تاریک و بسیار دور می‌بینند به آینده چشم دوخته‌اند و انبیای بنی اسرائیل بارها از روزهای آخر که هنوز فرا نرسیده است به عنوان دوران اعتلای نهایی و عظمت ملی یهود یاد کرده‌اند. امید به آینده نورانی و سرشار از سعادت در دل عامه مردم، روز به روز نه تنها شدت یافته است بلکه به رؤیای شگفت‌انگیزی هم دامن زده است. ماشیح (Mashiah) یا تدهین شده با روغن مقدس که از جانب خدا مأمور آغاز این دوران تازه و پر از شگفتی است محور این آینده است. بسیاری از نویسندگان معاصر به‌ویژه در جهان غرب به تفصیل درباره این اعتقاد یهودیان سخن گفته‌اند و در این موضوع کتاب تألیف کرده‌اند.

نتیجه اعتقاد به منجی در قرون اخیر به هدف آماده‌شدن برای ظهور منجی جهانی سبب شده است تحركات وسیعی در سطح بین‌الملل رقم زده شود. این تحركات مقدماتی از سال ۱۹۱۴

میلادی یعنی، سال شروع جنگ جهانی اول آغاز شد که در پی آن یهودیان پراکنده در عالم را به فلسطین بازگشت دادند و دولتی یهودی را در آن سرزمین تشکیل دادند. دولتی که تشکیل آن به عنوان زمینه‌سازی ظهور منجی موعود نزد آنان بود. آنها معتقدند که بازگشتشان به فلسطین، شروع و سر آغاز معرکه‌ای است که به انتهای شر در جهان منجر خواهد شد و در آن هنگام ملکوت در روی زمین شروع می‌شود و زمین، فردوس برین خواهد شد (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲) مستر هاکس نویسنده امریکایی کتاب قاموس کتاب مقدس درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود چنین می‌نویسد: «عبرانیان منتظر قدم مبارک مسیح، نسل به نسل بودند و وعده آن وجود مبارک مکرراً در زبور و کتب انبیا به‌ویژه در کتاب اشعیا داده شده است تا وقتی که یحیای تعمیددهنده آمده به قدم مبارک وی بشارت داد، لیکن یهود، آن نبوات (پیشگویی‌ها) را نفهمیده و به خود می‌اندیشیده که مسیح (سلطان زمان) خواهد شد و ایشان را از دست جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد داد» (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۸۰۶، به نقل از مهدی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۳۳)

در تورات به‌ویژه در اسفار پنج‌گانه، هیچ سخن صریحی درباره ماشیح و موعود وجود ندارد. برخی خواستند با تأویل برخی آیات آن، این چنین وانمود کنند، ولی به‌صراحت چیزی در این زمینه وجود ندارد، اما در کتاب مقدس دیگر یهودیان به‌نام تلمود، بحث مسیحا یا ماشیح مشاهده می‌شود. نگاه تلمود پیرامون شخص ماشیح روی هم‌رفته به این قرار است: «انسانی که از نهال خاندان سلطنتی داوود است و قداست او تنها به‌سبب موهبت‌های طبیعی او است. امت‌های مشرک به‌دست او نابود خواهند شد و بنی اسرائیل به قدرت جهانی خواهند رسید. همچنین در آگادای تلمود به استقلال سیاسی و یهودی‌شدن امت‌ها اشاره شده است. جلوه مهم در آگادای عصر مسیحا اندیشه استقلال سیاسی است. در این زمینه یکی از حکم‌های تلمودی به‌نام سموئیل معتقد است که تنها تفاوت زمان مسیحا با عصر حاضر، آزادی سیاسی خواهد بود. به گفته آگادا دوران حکومت مسیحایی محدود است. او در این زمینه ارقامی را ذکر می‌کند. مطلب دیگری که در تلمود دیده می‌شود وجود مسیحای دروغین در میان مردم یهود است.» (کرینستون، ۱۳۷۷، ص ۷۶)

عقیده به منجی و موعود که در متن دین یهود آمده است در میان رهبران عصر حاضر این دین نیز وجود دارد. سخن مهندس آوایی، نماینده انجمن کلیمیان ایران در این مورد درخور

توجه است: «در اصول سیزده گانه ایمان یهود، بعد از توحید، نبوت حضرت موسی علیه السلام، کتاب تورات، رستاخیز و پاداش و مجازات نهایی عالم و... در بند دوازدهم جمله ای مختص ماشیح آمده است به این مضمون که: «من با ایمان کامل اعتقاد دارم به آمدن و ظهور ماشیح و هر چند که او تأخیر کند با این حال هر روز منتظر ظهور او خواهم بود» (اصل دوازدهم از اصول سیزده گانه ایمان یهود).

این جمله، جایگاه تفکر منجی در آیین یهود را نشان می دهد که جزء اصول ایمانی آنهاست. علاوه بر این در نمازهای سه گانه یهودیان که هر روز در سه نوبت صبح، عصر و شب ادا می شود و بیش از ۱۸ بند دارد یکی از این دعاها نیز مختص درخواست تسریع ظهور ماشیح است و یک فرد یهودی هم در اصول ایمان و هم در نمازهای خود، مرتب با این قضیه اعتقادی سر و کار دارد (شاگری زواردهی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). عقاید مختلفی درباره هویت ماشیح یا ناجی آینده بیان شده است. بیشتر معتقدند که ظهور ماشیح و فعالیت های او در راه بهبود وضع جهان و تأمین سعادت بشر، بخشی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است: «پیش از آنکه عالم هستی به وجود آید هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ جلال الاهی، بیت همیقداش، نام ماشیح» (پساحیم، ۵۴ الف). در میدراشی مؤخر چنین آمده است: «از آغاز خلقت عالم، پادشاه ماشیح به دنیا آمد؛ زیرا لزوم وجود او حتی پیش از آنکه جهان آفریده شود به ذهن خداوند خطور کرد» (پسیقتا رباتی، ۱۵۲ ب). همه دانشمندان یهود بر یک مسئله اتفاق نظر دارند و آن اینکه ماشیح یک انسان خواهد بود که از طرف خدا مأمور انجام وظیفه خاص خواهد شد و تلمود در هیچ جا به این عقیده که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق بشری باشد، اشاره ای نمی کند (کوثری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲).

در مورد شخصیت ماشیح در تلمود و علمای یهود بسیار بحث شده است و عقیده کلی بر این است که ماشیح مانند سایر انسان هاست و در هر دوره ای به دنیا می آید؛ یعنی در هر دوره، فردی در جامعه وجود دارد که مستعد ایفای نقش منجی است. او بسیار عالم و از معارف ناب بهره مند است و تمام خصوصیات مورد نظر را دارد و اگر آن دوران شایستگی داشته باشد و خداوند هم مایل باشد او این نقش را به عهده می گیرد و گرنه در زمان دیگری فرد دیگری که شرایط در او جمع است ایفای این نقش خواهد بود. در طول تاریخ یهود بسیاری از علما یا صالحان بودند که رهبری جامعه را به عهده داشتند و بعد از مرگ آنها بسیاری از مردم یا علما با تأسف می گفتند:

«اگر شرایط مهیا می‌شد این فرد حتما ماشیح ما می‌بود». البته کسانی هم بودند که از این اعتقاد سوء استفاده کردند و به عنوان منجی‌های دروغین در تاریخ یهود ظهور کردند (شاکری زواردهی، ۱۳۹۱، ص ۶۲). ویژگی‌هایی که می‌توان برای ماشیح برشمرد عبارتند از: رو به آینده دارد، متشخص است، انسانی و خاکی است، نوعی است (بدین معنا که برای همه انسان‌هاست)، کارکرد کیهانی دارد؛ یعنی زمینی است و از امور خارق‌العاده بهره گرفته است، کارکرد اجتماعی دارد؛ یعنی تشکیل حکومت می‌دهد، به شدت زمانمند است؛ زیرا در تاریخ خاصی ظهور می‌کند و در تاریخ دیگر کار را تمام می‌کند (موحدیان عطار، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

نشانه‌های بسیاری در مورد شرایط آمدن ماشیح بیان شده است. بخشی از این شرایط اضطراب‌آمیز و نگران‌کننده هستند. (تلمود گمارای سوطا ۴۹ ب) مثل این جمله که: «آنها شمشیرهای خود را شکسته و به گاواهن تبدیل خواهند کرد و نیزه‌های خود را به قیچی‌های شاخه‌زنی مبدل می‌کنند» (یشعیا - فصل ۲ - آیه ۴ - میخا - فصل ۴ - آیه ۳). دانشمندان یهود همواره این نکته را به مردم یادآوری می‌کردند که پیش از ظهور ماشیح، آشفتگی و فساد در جهان به حد اعلی می‌رسد و سختی‌ها و دشواری‌های زندگی غیرقابل تحمل خواهد شد. در این باره مطلبی در تلمود آمده است: «پیش از ظهور ماشیح، نشانه‌هایی آمدن او را نوید می‌دهند که برخی از آنها عبارتند از:

- دردهای زایمان دوره ظهور ماشیح سخت و شدید خواهد شد» (عهد عتیق، حبقوق، ۳/۲)؛
- جوانان به پیران بی‌احترامی خواهند کرد و آنان را خجالت خواهند داد و پیران در جلوی جوانان به پا خواهند ایستاد؛
- فرزند از پدر خود حیا نمی‌کند؛
- محل تحصیل و مطالعه به اماکن فساد مبدل شده، دانش دبیران فاسد خواهد گشت و کسانی که از خطا کردن بترسند منفور خواهند بود (سنهدرین، ۹۷ الف)؛
- دست‌ها به خون و انگشت‌ها به شرارت آلوده است. انصاف از آدمیان دور می‌شود و عدالت از آنان فاصله می‌گیرد؛
- گناهان فزونی گرفته و خطاها بسیار شده است و علیه آنان گواهی می‌دهد. (تورات، اشعیاہ نبی، فصل ۵۹، آیات ۳-۱۵)

دوران هفت‌ساله‌ای که ماشیح در آن ظهور می‌کند، چنین است: «سال اول بی‌بارانی، سال دوم قحطی، سال سوم قحطی شدید و مردن مردان، زنان، کودکان، متقیان و فراموشی تورات، سال چهارم سیری وفور نعمت، سال پنجم سیری و فراوانی عظیم، بازگشت تورات به سوی آموزندگان، سال ششم به‌گوش رسیدن صداهایی از آسمان، سال هفتم درگرفتن جنگ و در پایان این دوران هفت‌ساله، ماشیح می‌آید (اشعیا، ۴/۵۳). در کنار شرایط سخت و سهمگین، علائم و نشانه‌های مسرت‌بخش و امیدوارکننده نیز درباره زمان قبل از آمدن ماشیح پیش‌بینی شده است (گمارای سنهدرین ۹۸، الف وزهور جلد اول ۱۱۷ الف). پیشرفت و خوشبختی زیاد مردم دنیا، تجدید حیات در مطالعه تورات و علوم دینی، بازشدن دروازه‌های عقلانی در بالا و چشمه‌های حکمت در پایین. با ظهور و پیشرفت تعالیم رمزی و عرفانی در تورات و کتب آسمانی، بسیار مشهود است و بازشدن چشمه‌های حکمت در پایین اشاره به پیشرفت‌ها و اکتشافات علمی و تکنولوژی امروز است. همچنین گفته شده است هنگامی که ماشیح به‌پاخیزد علائم شگفت‌انگیز و معجزات بسیاری در دنیا به وقوع می‌پیوندد (شوحط، آباپی، ۱۳۷۹).

۳. ویژگی‌های عصر گئولا (نجات نهایی)

- حیای سنت‌های اولیه عبادت یهود: اساس عبادت یهود بر تقدیم قربانی‌ها قرار گرفته است که امروزه این عبادات با خواندن تفیلا (نماز) جایگزین شده‌اند. با ظهور ماشیح، آن مراسم دوباره احیا خواهند شد؛

- پایان بدی و گناه: خداوند صاحب قدرت می‌فرماید: «در آن روز (نجات) من اسامی بت‌ها را از زمین منقطع خواهم کرد و آنها دیگر یادآوری نخواهند شد» (زخریا)؛

- درک الهیت و آگاهی واقعی از وجود خداوند: زمین از دانش الهی مملو خواهد شد مانند آب‌هایی که دریا را می‌پوشانند (یشعیا)؛

- پرستش و ستایش جهانی خداوند: در آن هنگام، زبان ملت‌ها را به زبانی پاک و منزّه تبدیل خواهم کرد که آنها نام خداوند را خوانده و او را یکسان عبادت خواهند کرد (صفنیا)؛

- هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی: تیر و کمان جنگ از بین می‌رود و (ماشیح) با ملت‌ها از صلح صحبت خواهد کرد (زخریا)؛

- رستاخیز مردگان: رستاخیز مردگان، آخرین اصل از اصول سیزده‌گانه یهود است و تاحدودی از موضوع ماشیح و گئولا مجزاست. با این حال چون بعد از نجات نهایی واقع شده

است و آخرین مرحله گئولا محسوب می‌شود در این مبحث ذکر شده است. بسیاری از خفتگان خاک از زمین بیدار خواهند شد و گروهی از اینها که صالح باشند برای زندگی ابدی خواهند بود (دانیال)؛

- برکت و سعادت و پایان بیماری‌ها: در آن زمان، چشم نابینایان روشن شده و گوش ناشنوایان باز خواهد شد. در آن زمان فرد لنگ مانند گوزن جست‌وخیز کرده و زبان انسان لال ترنم خواهد کرد (یشعیا)

۴. اعتقاد به موعود در دین مسیحیت

مسیحیت دینی است که در فضای یهودی متولد شد، بر بشارات قوم یهود تکیه زد و در محیط شریعت‌مدار یهود دوران کودکی را سپری کرد. به این لحاظ، تحلیل تاریخ شکل‌گیری مسیحیت بدون آشنایی با جغرافیا، فرهنگ و تحولات جامعه یهودی ممکن نیست، پس مسیحیت راستین، شاخه‌ای از دین یهود و یا به تعبیر بهتر، استمرار دین واقعی یهود است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۵) مسیحیت دینی است که می‌توان سرچشمه آن را از عیسای ناصری دنبال کرد. این دین با آمدن عیسی مسیح و تعالیم او به جهانیان عرضه شد. تا سال ۴۶ میلادی و پیش از آنکه شواری اورشلیم، حکم سرنوشت‌ساز مبنی بر عمومیت پیام انجیل را صادر کند مسیحیان خود را فرقه‌ای یهودی می‌دانستند و مثل یهودیان در کنیسه‌ها حاضر می‌شدند و مناسک ویژه خود را انجام می‌دادند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۲۲۱). با مصلوب شدن عیسی علیه السلام در روز سوم، این جماعت از خانه‌ها بیرون آمدند و رساتر از گذشته، عیسی علیه السلام و آموزه‌هایش را تبلیغ کردند. از این تاریخ بود که مسیحیت خط خود را از یهود جدا کرد و به عنوان دینی مستقل به حیات خود ادامه داد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۲۲۳) اعتقاد مسیحیان بر این است که خداوند برای رهایی و نجات انسان، پیامبران گذشته را با شریعت و قانون فرستاد، اما به دلیل ترمرد انسان، این نجات تحقق نیافت و پیامبران قبل از عیسی علیه السلام فقط زمینه را برای نجات‌بخشی آماده کرده بودند و عیسی علیه السلام نقش اساسی را در سیر نجات‌بخشی ایفا کرده است؛ یعنی پسر خدا خود را فدیہ کرد تا انسان از بند اسارت گناه ذاتی آزاد شود. راز صلیب به این صورت آشکار می‌شود که پسر انسان، خود را برای نجات‌بخشی فدیہ کرد. در اینجا تفاوت بزرگ بین آدم و مسیح علیه السلام مشخص می‌شود؛ زیرا آدم با گناه خود باعث مرگ عده زیادی شد، ولی مسیح علیه السلام از روی لطف

عظیم خداوند باعث بخشش گناهان بسیاری شد. آدم با اولین گناه خود باعث شد عده زیادی محکوم به مرگ شوند درحالی که مسیح علیه السلام بشر را رایگان پاک می‌کند و باعث می‌شود که خداوند عده بسیاری را بی‌گناه بشناسد (سعدی، ۱۳۸۱، ص ۸۲).

براساس این نگرش به انسان و توجه به گناه نخستین آدم که همه بشر را آلوده کرده است عیسی مسیح آمده است تا با فداکردن و قربانی کردن خود باعث پاکی انسان و نجات او از سیاهی و ظلمت گناه شود. هرچند این هم نوعی نجات است، اما این نوع از نجات معنای آخرت‌شناسانه ندارد و با موعودباوری در ارتباط نیست. این نجات، پدیده‌ای اتوماتیک یا تکوینی است و به‌صرف وجود و شخصیت عیسی علیه السلام و میانجی‌گری‌اش بین انسان مورد خشم خدا و خود خدا آشتی برقرار می‌کند بی‌آنکه لازم باشد کاری شاهانه و یا پیامبرانه انجام دهد. (جوانشیر، ۱۳۹۱، ص ۳۷) در گونه دیگر از مفهوم نجات، همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که نجات‌بخشی عیسی علیه السلام درحقیقت، نجات از پراکندگی، ظلم و نابسامانی است. امری که در سایه تشکیل حکومتی مرکزی صورت می‌گیرد. این گونه نجات با عملکرد عیسی علیه السلام در ارتباط است و رهایی‌اش فقط پدیده‌ای ماشینی نیست بلکه حاصل تلاش پیامبرگونه عیسی علیه السلام است. بنابراین، بر بازگشت دوباره عیسی علیه السلام تأکید می‌شود. این نجات مفهومی آخرت‌شناسانه دارد (جوانشیر، ۱۳۹۱، ص ۲۳). بنابراین، مسیحیان بعد از مصلوب‌شدن عیسی علیه السلام منتظر رجعت دومین او هستند تا انسان گرفتار در ظلم و تباہی را نجات بخشد. مسیح علیه السلام نیز چون یک‌بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع کند بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او هستند برای نجات آنان ظاهر خواهد شد (رساله به عبرانیان، ۹/۹۲۸).

مراد از نجات‌بخشی در مقاله حاضر همین نوع دوم است که پیوندی عمیق با موعودباوری دارد و عیسی علیه السلام پیروان خویش را پس از رجعت، بازگشتی ظفرمندانه خواهد داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که منجی‌گرایی در مسیحیت به سه‌گونه نمودار شده است: در یک پرده، همان اندیشه موعود یهودی است که در آن عیسی ناصری نقش مسیح نجات‌بخش را ایفا می‌کند که انتظار دیرپای یهود را به سر می‌آورد. در پرده دیگر با نوید رجعت عیسی علیه السلام در آخرالزمان مانند پسر انسان و داور جهان نمایشگر سنخ دیگری از اندیشه موعود است و در پرده سوم سخن از شخصی است که خود عیسی علیه السلام وعده آمدنش را می‌دهد که چونان تسلی‌دهنده و روح‌راستی می‌آید و عیسی علیه السلام را جلالت می‌بخشد و بر حقانیت او شهادت می‌دهد. بر این پایه، مسیحیت

دربدارنده سه‌گونه منجی باوری است. (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶) به هر حال عموم مسیحیان معتقدند روزی در آینده فرا خواهد رسید که حکومت اخلاقی خداوند بر سرتاسر زمین جاری شود. عبارت حکومت و سلطنت الهی، سلطنت آسمان‌ها و حکومت الهی به‌طور مکرر و به‌شدت در انجیل‌ها به چشم می‌خورد. واقعیت حکومت نهایی خدا (سلطنت یا ملکوت الهی) بدون شک مهمترین اعتقاد مسیحیان است (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰).

۵. اشاره به ظهور منجی در انجیل کتاب مقدس مسیحیان

در انجیل متی باب ۲۴ آیه ۲۷ آمده است: «همچنان‌که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد شد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید، اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان. بنابراین، شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید». همچنین در انجیل لوقا باب ۲۱ آمده است: «زلزله‌های عظیم و قحطی‌ها و بادهای پدید می‌آید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد. اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌های امت‌ها به انجام رسد و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود و دل‌های مردمان ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید».

برخلاف آنچه گروهی از علما و مفسرین انجیل پنداشته‌اند، فرزند انسان که در آیات فوق زمام‌دار و حامل لوای سلطنت جهانی در آینده معرفی شده است حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام نیست؛ زیرا چنانچه از عبارات فوق معلوم می‌شود بشارت‌دهنده خود حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام است و از شخصی بشارت می‌دهد که در آینده جمیع ملل نزد او گرد می‌آیند. از اندک تأملی در بشارت‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از فرزند انسان فردی است که بزرگ‌ترین نمونه انسانیت و شاخص‌ترین مولود عالم انسانی، حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام است که تمام امم نزدش گرد می‌آیند و زمام امور اجتماع را در دست خود خواهند گرفت و بدون داوری و قضاوت مذهبی

می‌توان این برداشت را کرد که مسیح علیه السلام درباره فردی غیر از خودش سخن می‌گوید که او همان مصلح و منجی آخرالزمان است.

۶. پیشگویی‌هایی در مورد ظهور مجدد (رجعت مسیح)

زمان آمدن مجدد مسیح علیه السلام در عهد جدید مطرح شده است، اما زمان دقیق آن مشخص نشده و فقط شرایط آن زمان مطرح شده است که به چند مورد آن عبارتند از:

فراگیرشدن ایمان انجیلی: معنای این تعبیر غیر از مسیحی‌شدن همه مردم است. از نظر انجیل فعلی مهم نیست که همه مردم در آخرالزمان مسیحی می‌شوند بلکه تکیه بر این است که این ایمان، فراگیر و غالب می‌شود. شاید هم مراد این باشد که ایمان انجیلی در مقابل ایمان غیر انجیلی یعنی در مقابل شریعت قرار می‌گیرد؛ زیرا انجیل یعنی، بشارت، پس ایمان انجیلی یعنی، فراگیرشدن ایمان به بشارت که مختص مسیحی‌هاست.

باور عمومی ادیان به ماشیح‌بودن مسیح علیه السلام: مراد آن است که زمان ظهور مجدد عیسی علیه السلام یهودیان به این باور عمومی رسیده‌اند که او همان ماشیح است. در انجیل متی آمده است: «از آن پس من را خواهید دید تا زمانی که بگویید او مبارک به‌نام خود می‌آید» (متی، باب ۲۳، آیه ۳۹).

ارتداد اول: وقتی ارتداد اول اتفاق افتاد منتظر ظهور مجدد مسیح علیه السلام باشید. پیش از مسیح علیه السلام و همراه با آمدن انسان شریر (انسان هلاکت یا انسان گناه) این ارتداد اتفاق خواهد افتاد. (تسالونیکان دوم، باب ۳، آیه ۲)

به سخره‌گرفتن انتظار و منتظران: رساله دوم پطرسی می‌گوید: «در آن زمان اعتقاد به رجعت مجدد مسیح علیه السلام را به تمسخر خواهند گرفت. (رساله دوم، پطرسی، باب ۳، آی ۳ و ۴)

۷. اعتقاد به موعود در دین اسلام

انسان امروز نیاز شدید روحی برای رسیدن به آرامش پایدار از تلاطمات هر روزه دارد، ولی چون به حقیقت واقعی دست نمی‌یابد و عطش روحانی‌اش سیراب نمی‌شود به ورطه‌هایی می‌افتد که نه تنها او را نجات نمی‌دهد بلکه سبب افزایش بیماری روحی‌اش می‌شود. اندیشه ظهور مصلح در این جوامع تحت تأثیر نگرانی و اضطراب از وضع حاکم بر جهان است. تنها امید برای رهایی از این گرفتاری‌ها ظهور منجی و بروز یک انقلاب اجتماعی همه‌جانبه است. یکی از مسائل عقیدتی که در منظومه فکری شیعه چون خورشید تابناک می‌درخشد و بالندگی، پایداری،

زندگی و طراوت شیعه مرهون آن است اعتقاد به نظام امامت و مهدویت است. دین اسلام تنها دینی است که آموزه‌های وحیانی آن دستخوش تغییر، تبدل و تحریف نشده است و کسی هم نتوانسته مثل و ماندی برای آن بیاورد. همچنین مطابق نیاز روزانه بشر بوده است و هر روز دریچه جدیدی به روی انسان گشوده است و هیچ‌گاه در بستر زمان رنگ کهنگی به خود نگرفته است و همواره بشر وامانده و سرگردان را راهنما بوده و هست.

منجی که اسلام معرفی می‌کند فرد مشخصی است که نام، نام پدر، نام مادر و اجداد طاهرینش معین و معلوم است و صدها روایت در کتب شیعه و سنی برای او بیان شده است. او حی و حاضر است و راه و روش و اهدافش مشخص و معین است همچنان که قرآن کریم وعده داده است موعود برای از بین بردن ظلم و فساد و برپایی حکومت جهانی می‌آید. همه مذاهب اسلامی با وجود اختلافاتی که دارند در کلیات مهدی‌باوری هم‌عقیده هستند. آنها ظهور فردی را از عترت و دودمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخرالزمان بشارت داده‌اند و در این میان، سنت نقش اصلی و ویژه‌ای را برعهده دارد؛ زیرا موارد اظهار نظر عقل محدود است. از طرفی قرآن کریم به عنوان قانون اساسی اسلام بیشتر به کلیات و برنامه‌های هدایتی پرداخته و بیان جزئیات را به سنت واگذار کرده است. بنابر اعتقاد شیعیان دوازده امامی، حجت‌بن‌الحسن عَلَيْهِ السَّلَام فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا متولد شد و پس از مرگ پدرش در پنج سالگی به امامت رسید و از منظر دیدگان غیب شد. در پس پرده غیبت بودن آن حضرت از یک سو رابطه‌ای عمیق، روحی و ملموس را بین موعود حی و حاضر و از سوی دیگر، پیروان و شیعیان و منتظران آن موعود ایجاد می‌کند. شیعیان با او ارتباط قلبی و روحی دارند و با او نجوا می‌کنند.

درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و اوصاف آن بزرگوار باید گفت که شناخت آن حضرت از دو جهت اهمیت دارد: یکی از نظر تکلیف؛ زیرا شناختن امام عَلَيْهِ السَّلَام از نظر شرع و عقل واجب است و به حکم حدیث معروف «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً أَلْجَاهِلِيَّةَ؛ هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد مرده است همانند مردن جاهلیت» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۴۰۹/۲) مرگ در پی حیات می‌آید و کسی که حیات و زندگانی‌اش با حال جهالت است، پس مرگ و موتش نیز با حال جهالت و نادانی است و جهت دیگر، شناختن دروغ و باطل بودن دعاوی کسانی که

به دروغ ادعای مهدویت کرده‌اند یا بنمایند؛ زیرا با ملاحظه مشخصات موعود واقعی کذب و بطلان دعوی این افراد روشن و واضح می‌شود چون فاقد این صفات و خصایص بوده‌اند.

۸. علت غیبت

آنچه درباره اسرار غیبت آمده است بیشتر مربوط به فواید و آثار آن است و علت اصلی بر همه پوشیده و مجهول است. معنای احادیث شریفه‌ای که در آنها تصریح شده است به اینکه سر غیبت آشکار نشود مگر بعد از ظهور، چنانچه سر آفرینش درخت‌ها آشکار نمی‌شود مگر بعد از ظهور ثمره و میوه و حکمت باران آشکار نشود مگر بعد از زنده شدن زمین و سبز و خرم شدن باغ‌ها و بوستان‌ها و مزارع. برای نمونه در روایتی آمده است: «عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده است که شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: البته برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست. در آن هر باطل جو به ریب و شک می‌افتد. عرض کردم چرا فدایت شوم. فرمود: برای امری که به ما اذن در فاش کردن آن داده نشده است. گفتم پس وجه حکمت در غیبت او چیست؟ فرمود: وجه حکمتی که در غیبت حجت‌های پیش از آن حضرت بود. به‌درستی که وجه حکمت غیبت کشف نمی‌شود مگر بعد از ظهور او چنانچه وجه حکمت کارهای حضرت خضر از سوراخ کردن کشتی، کشتن غلام و به پا داشتن دیوار از برای حضرت موسی علیه السلام کشف نشد مگر در هنگام مفارقت آنها از یکدیگر» (صدوق، ۱۳۹۵، ۲/۴۸۲).

یکی از مصالح غیبت، تخلیص و امتحان مرتبه تسلیم، معرفت و ایمان شیعیان است به طوری که از اخبار استفاده می‌شود به دو جهت امتحان به غیبت حضرت مهدی علیه السلام از شدیدترین امتحانات است:

- چون اصل غیبت بسیار طولانی می‌شود بیشتر مردم در ریب و شک می‌افتند و برخی در اصل ولادت و بعضی در بقای آن حضرت شک می‌کنند و جز اشخاص مخلص، بامعرفت و آزموده کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضرت باقی نخواهد ماند.

- شدتها و پیش‌آمدهای ناگوار و تغییر و تحولاتی است که در دوره غیبت روی داده است و مردم را زیر و رو می‌کند به طوری که حفظ ایمان و استقامت بسیار دشوار می‌شود و ایمان افراد در مخاطرات سخت واقع می‌شود. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱) حضرت صادق علیه السلام فرمود: «آن کس که بخواهد در عصر غیبت به دینش متمسک و ملتزم باشد مثل کسی است که شاخه درخت خاردار را با دست بزند تا خارهایش قطع شود، سپس امام علیه السلام با دست خود به این کار

اشاره کرد آن‌گاه فرمود: «به‌درستی که برای صاحب این امر غیبتی است، پس باید هر بنده خدای پرهیزد و باید به دینش متمسک شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، فصل ۲، باب ۷، ح ۱۰).

۹. فواید امام غایب

فایده وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام منحصر به ظهور و قیام او در آخرالزمان و اینکه در کارها تصرف و دخالت داشته باشد نیست بلکه یکی از فواید وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام امان خلق از فنا و زوال به اذن خدا و بقای شرع و حفظ حجت‌ها و بینات خداست. همچنین احادیث بسیاری دلالت دارند بر آنکه زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نمی‌شود. حضرت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «خدایا آری خالی نماند زمین از کسی که قائم باشد از برای خدا به حجت یا ظاهر و آشکار یا بیهناک و پنهان تا حجت‌های خدا و بینات او از میان نرود» (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۷۰). مثل امام عَلَيْهِ السَّلَام در این جهان مثل قلب است نسبت به جسد انسان و مانند روح که به امر خدا سبب ارتباط اعضا و جوارح با یکدیگر است و بقای جسد وابسته به تعلق و تصرف او است و ولی و انسان کامل که همان شخص امام عَلَيْهِ السَّلَام است نیز به اذن الله تعالی نسبت به سایر مخلوقات صاحب چنین رتبه و منزلت است. فایده دیگر این است که وجود مؤمن در بین مردم منشأ خیرات و برکات و سبب نزول رحمت است، جلب‌کننده عنایات خاص و دافع کثیری از بلیات است، پس وقتی مؤمن وجودش این فواید و برکات را داشته باشد، معلوم است که وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام و ولی الله اعظم عَلَيْهِ السَّلَام فواید و برکاتش بسیار عظیم و مهم است (باقری طاقنکی، ناصری نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

۱۰. امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در منابع اسلامی (آیات-روایات)

۱-۱۰. آیات مربوط به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و جهان‌گیرشدن دین اسلام به آیات متعددی از قرآن کریم و متواترترین روایات و قوی‌ترین اجماعات اتکا و استناد دارد که هر مسلمان معتقد به قرآن و رسالت پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید به این ظهور، ایمان راسخ و ثابت داشته باشد. خداوند در قرآن کریم در آیات کریمه متعددی تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام، غلبه آن بر کلیه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت را وعده فرموده است. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛...؛ خداست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا بر تمامی ادیان برتری پیدا کند...» (توبه: ۳۳). «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که وارث زمین، بندگان صالح من خواهند شد» (انبیا: ۱۰۵). «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...؛ خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده‌اند وعده می‌دهد که در روی زمین جانشینشان کند...» (نور: ۵۵).

۱۰-۲. روایات مربوط به امام مهدوی عجل الله تعالی فرجه

یکی از واجبات مهم در دین اسلام، اعتقاد به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه است به گونه‌ای که منکر خروج او کافر شمرده شده است. جابر بن عبدالله از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نقل می‌کند: «هر کسی مهدی عجل الله تعالی فرجه را انکار کند به راستی کافر است». (شافعی سلمی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷)

- حتمی بودن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه: پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند که صاحب این امر برگردد. (صدوق، ۱۳۹۵، ۲۸۰/۱) پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرماید: «مهدی امتم در میان ایشان (م-ح-م-د) است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد» (صدوق، ۱۳۹۵، ۲۸۶/۱).

- در مورد اینکه چرا به آن حضرت، مهدی می‌گویند امام صادق عليه السلام فرمود: «او را مهدی نامیدند؛ زیرا مردم را به امر پنهان هدایت می‌کند» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۷).

۱۱. نشانه‌های ظهور

در کتاب الوافی روایتی از نبی اکرم صلى الله عليه وآله وسلم آمده است که به بعضی از علائم ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه اشاره می‌کند. در این روایت جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: «قَطَعْتُمْ زَكَاتِكُمْ وَ الرَّكَّاهَ مَغْرَمًا؛ زکات دادن متروک شود و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند»، «وَالْكَذِبَ حَدِيثِكُمْ؛ و سخن معمول و همگانی شما دروغ»، «وَالْغَيْبَةَ فَكَيْهْتِكُمْ؛ میوه و نقل مجالس شما غیبت»، «وَالْحَرَامَ غَنِيمَتِكُمْ؛ و آنچه به دست می‌آورید، حرام باشد»، «وَلَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ؛ در آن زمان بزرگان بر کوچک رحم نمی‌کنند»، «وَلَا يُؤَقِّرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ؛ و افراد کوچک نیز احترام بزرگان را نگه نمی‌دارند»، «وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ؛ مرد از همسر خود اطاعت کند»، «وَوَجَفَا جَارَهُ؛ درباره همسایه جفا کنند»، «وَوَقَّطَعَ رَحِمَهُ؛ با ارحام قطع ارتباط کنند»، «وَوَقَّلَ حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ؛ حیای کوچک‌ترها کم گردد»، «وَوَشَّيَدُوا الْبُنْيَانَ؛ ساختمان‌ها را محکم بنا کنند»، «وَوَشَّهَدُوا بِالْهَوَى؛ و شهادت‌شان از روی هوی و هوس باشد»، «وَلَا يَسُبُّ الرَّجُلُ

آبَاهُ؛ و مرد پدرش را لعنت کند»، «وَيَحْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ؛ برادر نسبت به برادر حسد ورزد»، «وَيُعَامِلُ الشُّرَكَاءَ بِالْخِيَانَةِ؛ شرکا در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند»، «وَقَلَّ الْوَفَاءُ؛ وفا کم شود»، «وَوَتَزَيَّنَ الرَّجَالُ بِثِيَابِ النِّسَاءِ؛ مردان خود را به لباس زنان بپارایند»، «وَسَلِبَ عَنْهُنَّ فِئَاعُ الْحَيَاءِ؛ پرده‌های حیا زن‌ها برداشته شود»، «وَوَقَلَ الْمَعْرُوفُ وَظَهَرَتِ الْجَرَائِمُ؛ کارهای خوب کم شود و جرایم و بدی‌ها ظاهر شود»، «وَوَشَعَلُوا بِالْدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ؛ از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند»، «وَوَقَلَ الْوَرَعُ؛ ورع و پرهیزگاری کم شود»، «وَوَكَثُرَ الطَّمَعُ؛ و طمع زیاد شود»، «وَأَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ وَذَلِيلًا وَ الْمُنَافِقُ؛ بندگان خدا و مؤمنین در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم عزیز و محترم باشند»، «وَوَبَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلَّ هَوَانٍ؛ انواع خواری‌ها درباره مؤمن و اهل ایمان اعمال کنند»، «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَى وُجُوهُهُمْ وُجُوهَ الْآدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ؛ در این هنگام می‌بینی که صورت این مردم چهره آدمی است، اما قلب‌های آنها دل‌های شیاطین است (پر از مکر و حيله و تكبر و امثال این صفات رذيله و بد)»، «كَلَامُهُمْ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ فَهُمْ ذُنَابٌ وَعَلَيْهِمْ ثِيَابٌ؛ سخنان آنان از عسل شیرین‌تر، اما دل‌هایشان تلخ‌تر از زهر کشنده، اینان گرگ‌هایی درنده هستند (یعنی دلشان خالی از رحمت و عطف و انسان است و چیزی از مهر و محبت در دل‌هایشان یافت نمی‌شود) که به لباس آدمیان در آمده‌اند».

باز آن حضرت فرمود: «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَرَاءُ؛ زمانی بر امت من بیایند که مردم دارای آرای مختلف خواهند شد»، «وَيَتَّخِذُ الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ وَ يَوْضَعُ عَلَى الْأَعَانِي يُقْرَأُ بِغَيْرِ حَشِيَّةٍ؛ و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می‌خوانند (با سازها و نوازنده‌ها) بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند»، «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَهْتَشُّ النُّفُوسُ إِلَى طَيْبِ الْأَلْحَانِ؛ پس در چنین عصری ترانه‌ها و سازها و آوازه‌آدمیان را به طرب می‌آورد آن چنان که نفس‌هایشان گویی در طرب می‌آید»، «وَوَتَكْتَفِي الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ؛ و مردها به مردها اکتفا می‌کنند و زنان به زنان (اشاره به لواط و مساحقه)»، «وَيَتَّخِذُونَ صَرْبَ الْقَصَبِ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَلَا يُنْكِرُهُ مُنْكَرٌ بَلْ يَتْرَاضُونَ بِهِ وَ هُوَ مِنْ إِحْدَى الْكِبَائِرِ الْخَفِيَّةِ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِنْ دَيَانِ يَوْمِ الدِّينِ لَا تَنَالُهُمْ شَفَاعَتِي فَمَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ مِنْهُمْ وَ لَمْ يَنْهَهُمْ نَدِمَ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ؛ ساز و آواز در میان آنان رواج می‌یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می‌کنند و کسی آنها را نهی نمی‌کند بلکه تشویق می‌کنند با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنان پوشیده است، پس وای بر

آنها از جزادهنده روز رستاخیز و شفاعت من به آنان نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال آنها باشد آنان و آنان را از این عمل نهدی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود و من از او بیزارم» (شعیری، بی تا، ص ۱۴۱). محمدبن مسلم ثقفی می گوید: «از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: قیام قائم ما زمانی خواهد بود که: «وَأَسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالذَّمَاءِ؛ قتل و خونریزی در میان مردم رواج یابد»، «وَحَرَجَ السُّفْيَانِي مِنَ الشَّامِ؛ سفیانی از شام بیرون آید»، «وَالْيَمَانِيُّ مِنَ الْيَمَنِ؛ یمانی از یمن حرکت کند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲/۴۶۵).

۱۲. نتیجه گیری

آنچه در مقاله حاضر مورد بحث قرار گرفت موضوع منجی در اسلام و ادیان دیگر بود. باتوجه به برکات منجی و ظهور او در جامعه بشری اهمیت و ضرورت منجی و مصلح جهانی روشن شد. پیروان ادیان ابراهیمی از دیرباز به دلیل آنکه به صحت و درستی تعالیم و گفته های پیامبران آیین خود اعتقاد و اطمینان دارند در انتظار شخصی هستند که در آخرالزمان درست در زمانی که دنیا در تمام ابعاد سیاسی، اعتقادی و اجتماعی به ابتدال کشیده شده است او ظهور کند و با کمک یاران خود با ظلم و ستم و تباهی مبارزه کند و نظامی با معیار عدل و داد و براساس دستور خداوند تشکیل دهد. آنچه که مورد توجه است این است که تمامی این ادیان در موضوع ظهور منجی در آخرالزمان اتفاق نظر دارند، اما این اعتقاد در دین اسلام محکم تر از سایر ادیان است. در ادیان دیگر هنگام معرفی منجی خود، او را متعلق به سرزمین و دین خود می دانند، اما اسلام منجی را نجات دهنده ای برای تمام بشر می داند. اختلاف ادیان سه گانه در رابطه با سه مطلب است که منجی کیست، چه ویژگی هایی دارد، چه زمانی و در کجا ظهور می کند. از خلال مقاله فوق روشن شد که براساس عقیده شیعیان، منجی موعود در جامعه حضور دارد و غیبت او به معنای عدم حضور و تعامل او در اجتماع نیست بلکه غایب بودن از دیدگان است. او حضوری واقعی، فعال و مؤثر و در میانه اجتماع دارد و به علاقه مندان و مریدانش و هر مضطری که او را بخواند عنایت و توجه دارد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: ارفع، کاظم. تهران: انتشارات فیض کاشانی.
۱. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲. باقری طاقانکی، سبزیعلی، و ناصری نژاد، اعظم (۱۳۹۰). برای تمام خانواده ها. قم: بوستان احمدی.

۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳). گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان. بی‌جا: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴. جوانشیر، موسی (۱۳۹۱). موعود در آیین اسلام و مسیحیت. قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۵. حیدری، محمدباقر (۱۳۸۸). مقتدای مسیح. بی‌جا: نسیم کوثر.
۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵). منجی از دیدگاه ادیان. قم: مسجد مقدس جمکران.
۷. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹). مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای. تهران: سروش.
۸. سعدی، حسین علی (۱۳۸۱). نجات‌بخشی تطبیقی (اسلامی-مسیحی). مجله انتظار موعود، شماره ۴، ۷۷-۱۰۰.
۹. شافعی سلمی، یوسف (۱۳۸۲). عقدالدرر فی اخبار المنتظر. تعلیق: نظری منفرد، علی. قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۰. شاکری زواردهی، روح‌الله (۱۳۹۱). منجی در ادیان. قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۱. شعیری، محمدبن محمد (بی‌تا). جامع الاخبار. نجف: مطبعه الحیدریه.
۱۲. شوخط، ایمانوئل. و آبابی، آرش (۱۳۷۹). ماشیح موعود یهود. نشریه موعود، شماره ۱۹.
۱۳. شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵). کمال‌الدین و اتمام النعمه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. صافی گلپایگانی، محمدجواد (۱۳۷۷). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر. قم: مؤسسه السیده المعصومه علیها السلام.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶). الوافی. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
۱۶. کارگر، رحیم (۱۳۸۳). آینده جهان. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۷. کریستون، جولوس (۱۳۷۷). انتظار مسیحا در آیین یهود. مترجم: توفیقی، حسین. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۸. کوثری، ابراهیم (۱۳۹۸). مهدویت در ادیان آسمانی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۹. موحدیان عطار، علی (۱۳۹۳). گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۰. مهدی‌پور، علی اکبر (۱۳۸۶). او خواهد آمد. قم: رسالت.
۲۱. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷). الغیبه. تهران: نشر صدوق.